



نظام معرفت‌شناسی؛ بازخوانی بنیان‌های معرفتی فارابی

قاسم پورحسن

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

www.ketab.ir

مجموعه

فلسفه

تهران-تابستان

۱۴۰۰

سرشناسه : پورحسن، قاسم، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور : نظام معرفت‌شناسی؛ بازخوانی بنیان‌های
معرفتی فارابی / قاسم پورحسن.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات صراط، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۶۷۵ ص.
شابك : 978-964-5633-40-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۶۴۹- ۶۵۶.
یادداشت : نه‌ایه.
موضوع : فارابی، محمد بن محمد، ۲۵۹-۳۳۹ ق.
موضوع : شناخت (فلسفه)
موضوع : Theory of Knowledge
رده‌بندی کنگره : BBR۳۲۷
رده‌بندی دیویی : ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۰۷۹۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



انتشارات صراط

تهران، میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، خیابان سرپرست
شمالی، کوچه تبریز، پلاک ۱۹ | تلفن: ۸۸ ۹۷ ۶۲ ۱۲ و ۸۸ ۹۷ ۶۲ ۱۱
وبسایت: www.seratpub.com و www.seratpub.ir

نظام معرفت شناسی، بازخوانی بنیان‌های معرفتی فارابی

نویسنده: فاضل یورحسن

ویراستار: معصومه الیاس‌پور

صفحه‌آرایی: بهزاد محمدی

طرح جلد: انتشارات صراط

نظارت بر چاپ: سید هاشم فاطمی - ولی باجلان

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۵		مقدمه
۲۱		پیشگفتار
باب نخست: حقیقت معرفت و سرشت ادراک		
۳۵		مقدمه
۳۶		۱. سرشت معرفت
۴۲		۲. ساختار ادراک
۴۷		۳. چستی ادراک
۴۹		الف) علم به مثابه تجرید
۵۱		ب) علم همچون حضور و ظهور
۵۳		ج) علم همچون نحوه وجود
۵۸		* نقد تعریف‌ها، سنجش داوری‌ها
۶۴		۴. فارابی و هستی‌شناسی معرفت
۶۶		۵. بداهت معرفت
۷۰		۶. معرفت و یقین
۷۸		خلاصه
باب دوم: دلالت و حاکویت		
۸۱		مقدمه
۸۳		۱. الفاظ و معانی
۹۳		۲. دلالت‌ها
۹۸		۳. حکایت‌گری علم
۱۰۳		خلاصه
باب سوم: معرفت و شکاکیت		
۱۰۵		۱. مواجهه معرفتی و غیرمعرفتی
۱۰۷		۲. فارابی و معنای شکاکیت
۱۱۰		۳. گزارشی مخدوش
۱۱۵		۴. پرسش‌های بنیادین: تمایز مفاهیم و رویکردها
۱۲۳		۵. شکاکیت و رهیافت‌ها

۱۴۹ خلاصه

باب چهارم: تصور و تصدیق

۱۵۱ مقدمه

۱۵۴ تصور و تصدیق

۱۵۸ نسخ‌های تصور

۱۶۰ تصدیق تام

۱۶۱ قلمرو تصور و تصدیق و ارزش یقین

۱۶۲ تعریف تصدیق

۱۶۷ اصالت تصور یا تصدیق

۱۷۴ تصور و معرفت

۱۷۷ تشکیک در علم حصولی

۱۷۹ حکم و حکایت شأنی در تصور

۱۸۶ خلاصه

باب پنجم: ادراکات

۱۸۹ مقدمه

۱۹۵ ۱. ادراک حسی

۲۱۶ ۲. ادراک خیالی

۲۲۲ الف) رویکرد نخست

۲۲۸ ب) رویکرد دوم

۲۳۲ ج) رویکرد سوم

۲۴۴ ۳ و ۴. ادراک وهمی و عقلی

۲۵۱ خلاصه

باب ششم: نفس و معرفت

۲۵۳ مقدمه

۲۵۵ سرشت نفس

۲۵۹ مفهوم نفس

۲۶۲ فاعلیت نفس در ادراک

۲۶۹ پیدایش نفس

۲۷۱ ۱. قدیم‌بودن نفس

۲۷۴ ۲. حادث‌بودن نفس پیش از حدوث بدن

۲۷۷ ۳. حدوث نفس هم‌زمان با حدوث بدن

۲۷۹ تجرد و نامیرایی نفس

۲۸۴ خلاصه

باب هفتم: عقل و ادراک

۲۸۷	 مقدمه
۲۸۹	 جامعه اسلامی و مخالفت با عقل
۲۹۱	 ارزش عقل
۲۹۵	 معانی شش گانه عقل
۳۱۱	 بنیاد نخست: عقل فعال
۳۱۷	 بنیاد دوم: نظریه اتصال
۳۲۵	 جایگاه و نقش عقل در فلسفه فارابی
۳۳۱	 عقلانیت و شریعت
۳۳۸	 خلاصه

باب هشتم: معقولات نخستین و دومین

۳۴۱	 چستی معقولات
۳۴۴	 گونه های معقولات
۳۴۷	 فرایند ساخت مفاهیم
۳۵۱	 اصطلاح معقول اول و دوم
۳۵۳	 عینیت معقولات
۳۶۴	 خلاصه

باب نهم: علم حضوری

۳۶۷	 مقدمه
۳۶۸	 ۱. معیار تقسیم
۳۷۲	 ۲. سرشت علم حضوری
۳۷۲	 الف) تعریف به وساطت مفهومی
۳۷۵	 ب) تعریف به مستقیم و غیرمستقیم یا عینیت و غیرعینیت
۳۷۹	 ج) تعریف به تجرد
۳۸۳	 د) تعریف به انفعال و صدور
۳۸۴	 ه) تعریف به حضور و شهود و عدم حضور وجود
۳۸۹	 ۳. مراتب علم حضوری
۳۹۵	 ۴. خطاناپذیری علم حضوری
۳۹۸	 الف) یقین
۴۰۱	 ب) عدم وساطت مفهومی
۴۰۲	 ج) فقدان انطباق
۴۰۴	 د) شهود واقعیت عینی
۴۰۷	 ه) عدم تطبیق

مقدمه

عقل با معقولانش یگانه و متحد است. چنین عقلی همان عقل حقیقی، و معقولانش، معقولاتی حقیقی است. این عقل، خود وجودی حقّانی است و وجودش وجودی حقیقی و از سنخ مبادی حقیقی است. عقل ذاتاً تعقل می‌کند و علم او به ذاتش با او و وجود او همبودی دارد. حیات عقل، حضور و اندیشندگی است.

(فارابی، رساله فی العلم الالهی)

بسیاری گمان دارند که فلسفه اسلامی تنها یک پیام هستی‌شناسی استوار بوده و فیلسوفان اسلامی دچار غفلتی بزرگ از سایر ساحات مانند معرفت‌شناسی شدند؛ همان‌گونه که به ساحت حکمت عملی یا اخلاق التفاتی بنیادین نداشته‌اند. از این حیث، به نظر می‌رسد کامیابی فلسفه غرب در توجه به ضرورت فراروی از وجودشناسی محض و تفتن به حوزه‌هایی دیگر مانند اخلاق، انسان‌شناسی، هنر، معرفت‌شناسی، و جامعه بوده و سبب اصلی ناکامیابی فلسفه اسلامی به‌نحو خاص، ریشه در بی‌توجهی به این حوزه‌ها دارد. برخی بدون آگاهی درست حتی مدعی شدند که فلسفه اسلامی فاقد دستگاه اخلاق بوده و پس از فارابی، توجهی به مدینه، انسان، اخلاق، هنر و قدرت نشده است. نقل است که شاگردان ابوسعید ابوالخیر پس از دیدارش با ابن‌سینا از وی پرسیدند بوعلی چگونه مردی است؟ ابوسعید گفت: مردی حکیم و بسیار علم است اما مکارم اخلاق ندارد. وقتی بوعلی شنید به شیخ نوشت که من این همه کتاب در مکارم اخلاق نوشته‌ام. ابوسعید تبسم کرد و گفت: من نگفتم که بوعلی مکارم اخلاق نمی‌داند بلکه گفته‌ام ندارد.^۱

۱. خواجه حسن دهلوی، *فوائد الفوائد*، ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاء، روزنه، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷.